





لکن موانع تولید فقط اینها نیست؛ گزارشی به من دادند که در آن گزارش موانع تولید را بتفصیل بیان کرده‌اند و به نظر من خوب است که چنین گزارشی در صدا و سیما به وسیله‌ی کسانی که با این مسائل آگاه هستند به مردم داده بشود تا بدانند که برداشتن بعضی از این موانع تولید بر عهده‌ی خود مردم است، و بعضی بر عهده‌ی دستگاه‌های دولتی یا بکلی دستگاه‌های حکومتی است؛ چه قوه‌ی مجریه و چه سایر قوا. به هر حال موانع تولید زیاد است که اینها باید از سر راه برداشته بشود.

و یکی هم حمایتها است؛ مثل مشوقهای قانونی یا کمک کردن به وارداتی که تولید متوقف به آنها است؛ [مثلاً] بعضی از موارد تولید ما، احتیاج به موادآلات و امثال اینها که بایستی به اینها

این

خرید مردم بالا برود، والا اگر تولید شد و تقاضای مردمی وجود نداشت، تولید شکست میخورد؛ [یعنی] قدرت خرید مردم که این [همان] مسئله‌ی ارزش پول ملی است و یک نکته‌ی بسیار مهمی است که در جای خود بایستی اهل فن درباره‌ی آن بحث کنند. یا مثلاً کمک به قطع دست واسطه‌ه‌بینند؛ اگر

بی مورد

بشود، کمک زیادی به تولید خواهد شد و امثال اینها که قطعاً اگر این کار در امسال که سال ۱۴۰۰ است با جدیت دنبال بشود، یقیناً تحوّل در امر اقتصاد به وجود خواهد آمد.

و البته شرایط دیگری هم هست که بایستی رعایت بشود؛ مثل مبارزه‌ی با فساد. مبارزه‌ی با فساد خیلی مسئله‌ی مهمی است که بایستی کانال‌های فساد و مجاری فساد بسته بشود که این در واقع به معنای اصلاح کردن نظام بانکی و اصلاح کردن گمرک و امثال اینها است که بایستی راه فساد بکلی بسته بشود.

معیشت مردم وجود دارد، بعضی

بافی و آیه‌ی یأس خواندن که «آقا! هیچ فایده ندارد، کاری نمیشود کرد»؛ بعضی این جورند؛ چه در فضاهای

مجازی،

از مطبوعات ما و متأسفانه عمدتاً در تبلیغات خارجی؛ چون مشکلاتی بالفعل در پیش روی مردم هست، این را وسیله قرار میدهند برای اینکبست نشان بدهند و بگویند؛ نخیر، بنده عرض بکنم به هیچ وجه این جور

ظرفیتهای و قابلیت‌هایی که در داخل دارد، میتواند یکی از شکوفاترین اقتصادهای منطقه باشد، و حتی میتواند یکی از شکوفاترین اقتصادهای دنیا باشد. ما ظرفیتهای زیادی داریم، امکانات فراوانی داریم؛ استفاده‌ی از این امکانات هم احتیاج به معجزه ندارد، اینها مسأله‌ی است که مسئولان و مدیران ذی ربط با اهتمام، با احساس مسئولیت و همت بالا میتوانند آنها را حل کنند. شرطش این است که یک مدیریت قوی وجود داشته باشد، مدیریت ضد فساد بر کشور حاکم باشد و یک برنامه‌ی جامع اقتصادی هم وجود داشته باشد؛ اگر باشد، از این ظرفیتهایی که هست میتوان استفاده کرد.

همین حالا کارشناسان بانک جهانی - که این دیگر حرف ما نیست؛ حرف اقتصاددانان معروف و در واقع درجه‌ی یک دنیا است که کارشناس بانک جهانی هستند - میگویند که اقتصاد ایران در میان اقتصادهای برتر دنیا در رتبه‌ی هجدهم است؛ یعنی از دویست و خرده‌ای کشور دنیا ما هجدهمین اقتصاد هستیم، [آن هم] در حال فعلی با وجود



تحریم و مشکلات فراوانی که وجود دارد. آنها میگویند اگر از ظرفیتهای استفاده نشده - که حالا اشاره میکنم به بعضی از آن ظرفیتهای - استفاده بشود، اقتصاد ایران شش رتبه بالاتر می‌آید و به رتبه‌ی دوازدهم میرسد. این خیلی چیز مهمی است. با هشتاد و چند میلیون جمعیت، با وجود این همه مشکلاتی که دیگران بر ما تحمیل میکنند - تحریم و امثال اینها - کشور بحمدالله زنده است، سر پا است، هجدهمین اقتصاد برتر دنیا است. این چیز کمی نیست؛ این را بایستی توجه داشت.

اما حالا ظرفیتهایی که در این گزارش بانک جهانی وجود دارد و آنچه اینها میگویند، دو نوع ظرفیت است: یکی ظرفیتهای سرزمینی است، یکی ظرفیتهای انسانی است. ظرفیتهای سرزمینی، [مثلاً] وسعت کشور، دسترسی کشور به آبهای آزاد - ما همسایه‌ی دریای عمان و اقیانوس هند هستیم و دسترسی داریم به آبهای آزاد - تعداد همسایگان - که چهارده پانزده کشور همسایه‌ی ما هستند با بیش از حدود ششصد میلیون جمعیت؛ این خیلی فرصت مهم و ظرفیت مهمی است - مسیر ترانزیت و حمل و نقل شرق و غرب و شمال و جنوب که حالا موقعیت کشور ما یک چنین موقعیتی است؛ [دارای] این ظرفیت است. البته بله، دشمنها فعالیت میکنند که نگذارند از این ظرفیتهای بشود استفاده کرد اما میتوان با فعالیتهای خوب، با تلاش مضاعف از این ظرفیتهای استفاده کرد. اینها ظرفیتهای سرزمینی است.

ظرفیتهای نیروی انسانی، عبارت است از جمعیت در سن کار. ببینید؛ به برکت ازدیاد نسلی که در [دهه‌ی] ۶۰ اتفاق افتاد که یک عده‌ای داد و فریادشان بلند بود که چرا داریم نسل را بی‌رویه زیاد میکنیم، امروز همانها جوانهایی هستند که وارد بازار کار شده‌اند؛ یعنی کشور، کشور جوان است، نیروی کار فراوانی وجود دارد که میتوانند وارد بازار کار بشوند؛ [باید] بتوانیم نیروی در سن کار و دارای تحصیلات را فعال کنیم؛ با این گستره‌ی عجیب تحصیلات دانشگاهی ما، با این همه دانشجو و فارغ‌التحصیلی که ما داشتیم که موجب شده است که عمده‌ی نسل جوان ما فارغ

التحصیل و تحصیل کرده و باسواد و توانای کار باشند. این حالا اینهایی بود که در گزارش بانک جهانی هست اما غیر از اینها ظرفیتهای مهم دیگری وجود دارد که من به بعضی [از آنها] اشاره میکنم.

یکی از ظرفیتهای بازار داخلی است؛ یعنی یک بازار هشتاد میلیونی در اختیار تولیدکننده‌ی ایرانی است، یعنی هر تولیدکننده‌ی خودش مصرف‌کننده هم هست، مجموعاً یک بازار هشتاد میلیونی یک کشور بزرگ در اختیار تولیدکننده‌ی ایرانی است و خود این فرصت مهمی است. یک ظرفیت مهم دیگر سرمایه‌های طبیعی است که امروز ما از بعضی از این سرمایه‌های طبیعی - از همه نه - استفاده میکنیم ولیکن خب به صورت خام - خیلی از اینها به صورت خام - مثل نفت، مثل گاز که اینها به صورت خام دارد مصرف میشود، در حالی که از اینها میشود استفاده‌های برتر کرد و ارزش افزوده ایجاد کرد به وسیله‌ی اینها؛ یا زمینهای کشاورزی یا مراتع یا جنگلها، که اینها ثروت‌های عظیمی است که در اختیار ملت ایران است. ما در مورد معادن زیرزمینی مثل نفت و گاز، مثل روی، مس، سنگ آهن و امثال اینها در دنیا رتبه‌های بالا داریم؛ از رتبه‌ی اول و دوم گرفته تا رتبه‌ی نهم. ما این منابع عظیم طبیعی را داریم. خب این ظرفیت بسیار مهمی است. علاوه‌ی بر اینها، زیرساخت‌های مهمی در این سی سال به وجود آمده که اینها در کشور نبود: سدها، نیروگاه‌ها، مسیرهای حمل و نقل ریلی، مسیرهای حمل و نقل جاده‌ای و فراوان امثال اینها که زیرساخت‌های زیادی به وجود آمده. خب یک کشوری با این خصوصیات، با این همه ظرفیت، اگر یک برنامه‌ریزی درست اقتصادی داشته باشد و یک مدیریت قوی هم بالاسرش باشد که این مدیریت - که من حالا بعد در



مسئله‌ی انتخابات اشاره خواهم کرد- البته باید قوی و قادر بر حلّ مسائل باشد، مردمی باید باشد، ضدّ فساد باید باشد میتواند به یک کشور پیشرفته‌ی اقتصادی تبدیل بشود و دیگر هیچ گونه ابزار تحریم در او اثر نکند. نه اینکه تحریمها برداشته بشود؛ میخواهد برداشته بشود، میخواهد نشود؛ وقتی که یک اقتصاد شکوفای پیش‌رونده‌ای وجود داشت، دیگران اصلاً احساس احتیاج میکنند و تحریم معنا پیدا نمیکند.

یک نکته‌ی دیگری که در باب اقتصاد کشور خوب است عرض بکنیم، این است که رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. من میخواهم عرض بکنم در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم میتوانند نقش ایفا کنند؛ چه آنهایی که سرمایه دارند و این سرمایه را در راه مثلاً بعضی از داد و ستدها و سوداگری‌های بی‌مورد مصرف میکنند میتوانند اینها را در راه تولید مصرف کنند، چه کسانی که میخواهند کمک کنند به دیگران؛ مثل این کمک مؤمنانه‌ای که برای قضیه‌ی کرونا انجام گرفت که همه‌ی مردم وارد شدند، در قضیه‌ی تولید [هم] میتوانند کسانی که توانایی دارند، برای یک نفر، دو نفر، ده نفر اشتغال ایجاد کنند و کمک کنند به اشتغال آنها.

البته این [کار]، سازمان‌دهی مردمی لازم دارد؛ خیلی‌ها هستند میخواهند کمک کنند، نمیدانند چه جور باید کمک کنند. خیریه‌های مردمی، نهادهای انقلابی، امنای مساجدی که در این زمینه فعالند مثل بعضی جاهای دیگر، بایستی اینها را برنامه‌ریزی کنند تا هر کسی بداند که با یک سرمایه‌ی کم چطور میشود به تولید کشور کمک کرد؛ یعنی همه خیال نکنند که بایستی میلیاردری سرمایه داشته باشند تا بتوانند در تولید وارد بشوند؛ نه، با سرمایه‌های کم هم گاهی میتوان به تولید کشور کمک کرد. گاهی یک خانواده‌ی روستایی را مثلاً فرض کنید با چند رأس دام میشود زنده کرد، احیا کرد، خودکفا کرد؛ یک خانواده‌ی شهری را مثلاً فرض کنید با یک دستگاه بافندگی یا خیاطی یا امثال اینها میتوان اصلاً خودکفا کرد؛ از این کارها فراوان میتوان کرد که هم کمک به مردم و مبارزه‌ی با فقر است و هم کمک به تولید است.

به این مناسبت، من چند جمله‌ای راجع به تحریم عرض بکنم - البته بعداً برمیگردم باز یک مقدار دیگر توضیح خواهم داد- اینجا به مناسبت مسئله‌ی اقتصاد عرض میکنم که اولاً محاصره‌ی اقتصادی و تحریم که آمریکا علیه ما انجام داد و علیه بعضی از کشورهای دیگر هم انجام میدهد، یکی از جنایتهای بزرگ دولتها است. به مسئله‌ی تحریم به شکل یک کار سیاسی یا دیپلماسی نباید نگاه کرد؛ این واقعاً جنایت است. اینکه یک ملت را تحریم کنند که نتواند دارو وارد کند، نتواند ابزار پزشکی وارد کند، نتواند امکانات غذایی وارد کند - حالا ما الحمدالله گلیم خودمان را از آب بیرون میکشیم و کشیده‌ایم، اما بعضی از کشورها هستند که نمیتوانند این کار را بکنند- واقعاً جنایت بزرگی است و این جنایت از دولتی مثل آمریکا برمی‌آید که میتواند در یک روز ۲۲۰ هزار نفر را به قتل برساند؛ (۴) این جنایت را بعضی از قدرتها از جمله آمریکا کردند. این را بدانید که تحریم و محاصره‌ی اقتصادی قطعاً یک جنایت بزرگ است؛ این مطلب اول.

با این وجود، تحریم برای کشور ما - که این جنایت نسبت به کشور ما انجام گرفت- یک منافی هم داشت که توانست این تهدید را در واقع به فرصت تبدیل کند؛ یعنی جوانهای پرتلاش ما همت کردند و در بعضی از بخشهایی که کاملاً کالاها وابسته‌ی به خارج بود، کشور را از خارج بی‌نیاز کردند، یعنی در داخل تولید کردند؛ تولیدات داخلی.



این باز غیر از مسئله‌ی جهش تولید است؛ این ایجاد فتاوری در داخل کشور است؛ این در واقع اقدام به یک کار نو در داخل کشور است که گزارشها [پی] را گاهی در تلویزیون مشاهده میکنید که میگویند ما این کار را کردیم. محصولی درست میکنند که کشور را از خارج بی‌نیاز میکنند و محصول آنها از نوع خارجی‌اش، هم مرغوب‌تر است، هم ارزان‌تر است و بعد هم ساخته‌ی دست بچه‌های خود ما است که انسان با رغبت تمام میتواند آن را مصرف کند و این وابستگی را در بخشهایی قطع کردند؛ این برای ما یک درس شد. اینکه الان در بعضی از برنامه‌های تلویزیون مشاهده میکنید که یک جوانی می‌آید میگوید من یا ما چند نفر این کار را کردیم یا این اقدام را کردیم، واقعاً برای ما یک درسی شد.

ما در مقابله‌ی با تحریم دو راه میتوانیم برویم: یکی اینکه برویم سراغ تحریم‌کننده و از او خواهش کنیم، بگوییم «آقا شما ما را تحریم کردید، ما خواهش میکنیم که حالا مثلاً شما این تحریم را کم کنید یا بردارید»، او هم بگوید خیلی خب حرفی ندارم، این کارها را انجام بدهید - چند خواسته‌ی استکباری روی میز بگذارد، بگوید این کارها را انجام بدهید - من یک مقدار از تحریم را کم میکنم؛ این یک راه است که در واقع راه ذلت، راه انحطاط، راه عقب‌ماندگی است. یک راه دیگر هم این است که نیروی داخلی خودمان را فعال کنیم؛ ما توانایی‌های خوبی داریم؛ این نیروها را فعال کنیم و کالای تحریمی را در داخل تولید کنیم. آن طرف مقابل وقتی دید در داخل دارد این کالا تولید میشود، خودش به دست و پا می‌افتد؛ چون خود آنها سود میبرند از این تجارت کالا و از بازارهای کشورها - یک سود عمده‌ی دولتها این است - لذاست که خود این موجب میشود که تحریم یا برداشته بشود یا لغو بشود یا بی‌اثر بشود.

بنابراین ملت ما این راه دوّم را انتخاب کرده؛ یعنی واقعاً این جور است. من میبینم ملت عزیز ما این راه دوّم را انتخاب کرده و موفقیت‌های بزرگی هم به دست آورده که آخری‌اش همین موفقیت‌های مربوط به مسئله‌ی کرونا است. ما اوّلی که کرونا آمد، اگر یادتان باشد، حتی ماسک نداشتیم. امکانات برای اینکه مردم ماسک بزنند، به قدر کافی در اختیار کشور نبود؛ یا این ماده‌های ضدّ عفونی‌کننده در اختیار نبود. در داخل تلاش کردند، از لحاظ ماسک خودکفا شدیم. دیگران ماسک را [میدزدیدند] - این مربوط به اسفند اسبق، سال ۹۸ و فروردین سال ۹۹ است - ماسک را یک کشور اروپایی از چین خریده بود، یک کشور اروپایی دیگر آمد سر راه گرفت و دزدید و برداشت برد! یعنی مسئله‌ی ماسک در دنیا این جوری بود. ما خودمان [تولید کردیم]؛ جوانهای ما، مردم ما، در خانه‌ها و در مسجدها ماسک یا موادّ ضدّ عفونی‌کننده را تولید کردند؛ یعنی این واقعاً مظهر کامل قطع وابستگی به خارج بود. و همین طور پیش رفتیم تا رسیدیم به واکسن که امروز واکسن از راه‌های مختلف و در چند طریق بحمدالله در طریق تولید و آزمایش و به فعلیت رسیدن است. این مایه‌ی آبرو برای کشور شده؛ یعنی بعضی تحلیلگرهای خارجی که بانصاف هستند تحسین میکنند کشور ما را. این راه را ملت ایران امتحان کردند و ان شاءالله همین راه را دنبال خواهند رفت.

هزاران جوان در شرکتهای دانش‌بنیان و غیر دانش‌بنیان، شرکتهای فعال تولیدی در حال تولید کالاهای تحریمی‌اند که هم کیفیتش بهتر است، هم همان طور که گفتیم ارزان‌تر است. در دانشهای دیگر هم همین جور؛ یعنی واقعاً ما در زمینه‌ی استعداد جوانها هر چه بگوییم زیادی نیست و کم گفته‌ایم. در زمینه‌ی دانشهای نوپدید، مثلاً دانش نانو، ما امروز در دنیا جزو کشورهای درجه‌ی بالا در مسئله‌ی فتاوری نانو و تولید نانوی هستیم و از لحاظ مقالات علمی، مقالات مرجع، مراکز علمی جهانی میگویند در ظرف این بیست سال گذشته - چون نانو دانش نوپدیدی است - مثلاً در سال ۲۰۰۱ ایران ده مقاله در باب نانو داشت، در سال ۲۰۲۰ دوازده هزار مقاله؛ یعنی ما در ظرف بیست سال از ده



مقاله‌ی علمی در باب نانو رسیدیم به دوازده هزار مقاله‌ی علمی؛ یک چنین کارهایی بحمدالله در کشور دارد انجام میگیرد؛ اینها مهم است. در بخشهای دفاعی هم که می‌بینید؛ در بخشهای دفاعی هم روزبه‌روز الحمدالله پیشرفت کشور برجسته‌تر و درخشان‌تر و از نظر بعضی حیرت‌انگیزتر دارد میشود که این تولیدات دفاعی کشور ضریب امنیّت خارجی کشور را بالا میبرد؛ این خیلی مهم است برای کشور؛ یعنی «حصون الرعیّة»؛ (۵) در واقع اینها حصن و حصارى هستند برای امنیّت کشور. بنابراین، تهدید تحریم را که یک تهدید واقعی و یک جنایت حقیقی است، میتوان تبدیل کرد به فرصت؛ به این شکل که به ظرفیتهای داخلی و نیروهای داخلی خودمان تکیه بکنیم.

نکته‌ی آخر در باب مسائل اقتصادی این است که توصیه‌ی مؤکد ما به مسئولان عزیز کشورمان - چه مسئولانی که الان سر کار هستند، چه آنهایی که بعداً خواهند آمد - این است که مسئله‌ی اقتصاد کشور را به رفع تحریم گره نزنند. حالا در این تبلیغات انتخاباتی هم بحث اقتصادی مطرح خواهد شد؛ اقتصاد کشور را معطل و پادرها در انتظار تصمیم‌گیری دیگران قرار ندهند که [اگر] تحریم برداشته بشود ما این کار را میکنیم، آن کار را میکنیم. فرض کنید تحریم باقی خواهد ماند؛ اقتصاد کشور را بر اساس ماندن تحریم برنامه‌ریزی کنید؛ و میشود برنامه‌ریزی کرد؛ چشم‌انتظار نباید باشید. یکی از مشکلات اقتصاد ما در این سه چهار سال اخیر همین بوده که مدام گفتیم تحریم [اگر] برداشته بشود، مثلاً فرض کنید این جوری میشود، تحریم [اگر] برداشته شد آن جوری خواهد شد، سرمایه‌گذاری خارجی [اگر] انجام بگیرد این جوری خواهد شد؛ این «اگر اگرها» اقتصاد را معطل و سردرگم نگه میدارد و ناپیوستی بلا تکلیفی در اقتصاد به وجود بیاید، که این ضرر بزرگی است. این راجع به مسائل مربوط به اقتصاد و شعار امسال که ان شاء‌الله رفع موانع [تولید] را و پشتیبانی‌ها را تحقق ببخشند.

اما راجع به انتخابات ریاست جمهوری و شوراها که در خرداد در پیش داریم، یعنی نزدیک سه ماه دیگر این کار پیش می‌آید و این بسیار بسیار مهم است، من چند مطلب را بایستی عرض بکنم.

مطلب اوّل اهمیّت انتخابات است؛ انتخابات در کشور خیلی دارای اهمیّت است، هم از جنبه‌ی داخلی، هم از جنبه‌ی وجهه‌ی خارجی.

از جنبه‌ی داخلی، انتخابات در واقع یک نوسازی در کشور است؛ وقتی انتخابات انجام میگیرد یعنی یک افراد تازه‌نفسی وارد میدان میشوند، وارد کار میشوند، و در دستگاه اجرای کشور یک نوسازی‌ای به وجود می‌آید که این خیلی چیز مهمی است؛ کأته یک نفس تازه‌ای به دستگاه اجرائی داده خواهد شد. خب کار دستگاه اجرائی خیلی سنگین است که بعد هم اشاره میکنم و ان شاء‌الله می‌گوییم. بنابراین یک مجموعه‌ی تازه‌نفس و پُرانگیزه وارد کار میشوند، و این برای کشور خیلی چیز مبارک و خوبی است.

از جهت وجهه‌ی خارجی هم انتخابات و حضور مردم و مشارکت مردم، نشان‌دهنده‌ی اقتدار ملی است. این را همه باید بدانیم و اذعان کنیم که بله، امکانات دفاعی و قدرتهای دیپلماسی و امثال اینها به کشور اقتدار میدهد، در این شکی نیست اما بیش از همه‌ی اینها مردم یک کشورند، ملتند که اقتدار میدهند. وقتی همه احساس کنند در دنیا - دشمن و دوست - که این ملت هوشیار است، بیدار است، سر پا است، عازم است، پُرانگیزه است، این کشور یک اقتداری، یک هیبتی در چشم همه پیدا میکند؛ چه دوست و چه دشمن. بنابراین حضور مردم موجب اقتدار کشور خواهد شد. و انتخابات، مظهر حضور مردم است؛ اجتماعات انقلابی، مظهر حضور مردم است و از همه مهم‌تر البته



انتخابات است.

خب بنده قبلاً مکرراً راجع به «ایران قوی» صحبت کرده‌ام؛ (۶) یعنی ما باید تلاش کنیم کشور را قوی کنیم. خب، کشوری و ملتی که میبیند دشمنی‌های دشمنان و زیاده‌خواهان و مستکبران را، راه کار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است، این را همه قبول دارند؛ آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلماً ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزت. خب حالا این قوت را چه کسی به ایران میبخشد؟ همان طور که عرض کردیم، ملت؛ ملت هستند که این قوت را به کشور میبخشند و حضور ملت و مشارکتشان هم - اصل مشارکتشان، اندازه‌ی مشارکتشان - مسلماً در این قوت ملتی تأثیر دارد.

و من این را هم عرض بکنم - اینها دیگر اطلاعات ما است - ملت عزیز هم بدانند که دستگاه‌های جاسوسی و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهایی و از همه بدتر کشور آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی از چندی پیش و نه امروز دارند تلاش میکنند که انتخابات آخر خرداد را بی‌رونق کنند؛ یا برگزارکنندگان را متهم میکنند [و میگویند] «انتخابات مهندسی شده» - در واقع برگزارکنندگان انتخابات را دارند متهم میکنند یا شورای محترم نگهبان را متهم میکنند - یا مردم را دلسرد میکنند [و میگویند] «رأی شما اثری ندارد، در بهبود اوضاع تأثیری نمیگذارد؛ چرا بیخودی خودتان را خسته میکنید!». با شدت تمام از این کارها دارند میکنند.

و از فضای مجازی هم حداکثر استفاده را دارند میکنند. خب متأسفانه در فضای مجازی کشور ما هم که آن رعایت‌های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمیگیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است، که بایستی آن کسانی که مسئول هستند حواسشان باشد. همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت میکنند، [در حالی که] ما افتخار میکنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! این افتخار ندارد؛ این به هیچ وجه افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد. از این امکان مردم استفاده کنند، برای مردم بلاشک وسیله‌ی آزادی است، خیلی هم خوب است اما نباید این وسیله را در اختیار دشمن گذاشت که بتواند علیه کشور و علیه ملت توطئه کند. دارند استفاده میکنند از این فضا و هدفشان هم همین است که با شیوه‌های روانی، مشارکت مردم را در انتخابات کاهش بدهند. و امیدوارم که ان‌شاءالله مردم پاسخ رد به اینها بدهند و کاری کنند که دشمن را ناامید کنند و این مهم دور نماند. این مطلب اول که اهمیّت انتخابات است.

مطلب دوم، اهمیّت مسئله‌ی ریاست جمهوری است. ریاست جمهوری خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ یعنی مهم‌ترین و مؤثرترین مدیریت کشور، ریاست جمهوری است. اینکه حالا بعضی‌ها میگویند رئیس‌جمهور اختیاراتی ندارد، رئیس‌جمهور تدارکاتچی است، رئیس‌جمهور دوازده درصد یا پانزده درصد اختیارات دارد - چه جوری هم محاسبه میکنند من نمیدانم! چند سال است که از این حرفها گاهی گوشه کنار زده میشود - همه‌ی اینها خلاف واقع است؛ یا از روی بی‌مسئولیّتی گفته میشود یا از روی بی‌اطلاعی گفته میشود یا خدای نکرده غرض‌ورزی‌ای در کار است. این جوری نیست؛ رئیس‌جمهور [ی] یکی از پُرمشغله‌ترین و پُرمسئولیّت‌ترین دستگاه‌ها است؛ یعنی نمیشود گفت «یکی از»؛ رئیس‌جمهور از همه‌ی مدیریت‌های کشور پُرمشغله‌تر و پُرمسئولیّت‌تر است؛ تقریباً همه‌ی مراکز مدیریتی کشور در اختیار رئیس‌جمهور است؛ یعنی فرض کنید که قوه‌ی قضائیه یا دستگاه‌های نظامی خب مدیریت‌هایی دارند؛ اینها در قبال مدیریت‌هایی که در قوه‌ی مجریه هست یک اندکی بالاتر از صفرند یا چند درصد مختصرند. عمده‌ی نزدیک به



همه‌ی مدیریتهای کشور که هزاران مدیریت است، در اختیار رئیس قوه‌ی مجریه است. همه‌ی بودجه‌ی مصوب کشور در اختیار رئیس‌جمهور است، چون جمهور است و مستقیم زیر نظر ریاست‌جمهوری است. همه‌ی مدیریتهای کشور که هزاران مدیریت است، در اختیار رئیس‌جمهور است، چون جمهور است و مستقیم زیر نظر ریاست‌جمهوری است. همه‌ی بودجه‌ی مصوب کشور در اختیار رئیس‌جمهور است، چون جمهور است و مستقیم زیر نظر ریاست‌جمهوری است.

بنابراین، مدیریتهای دیگر در جنب قوه‌ی مجریه در واقع چیزی نیستند. ریاست‌جمهوری یک چنین جای مهمی است. حالا شما میخواهید رئیس‌جمهور انتخاب کنید؛ ببینید که چه مسئولیتی بر عهده‌ی من و شما است که باید برویم رأی بدهیم. البته رأی بنده با رأی یک پسر شانزده هفده ساله یک اندازه وزن دارد؛ هیچ کم و زیاد نیست. ما میخواهیم برویم رأی بدهیم یک رئیس‌جمهور انتخاب بکنیم؛ توجه کنیم به اینکه چه مسئولیتی بر دوش رئیس‌جمهور است. این هم یک نکته.

در نکته‌ی سوم مطلبی را میخواهم به داوطلبان عرض بکنم. به آن کسانی که داوطلب ریاست‌جمهوری میشوند -حالا شروع شده دیگر؛ الان مدتی است که افراد پی‌درپی اعلام میکنند که میخواهند شرکت کنند- میخواهم به آنها بگویم انتظار داریم سنگینی کار را بدانید؛ شما که داوطلب شده‌اید، بدانید چه چیزی را میخواهید بر دوش بگیرید، چه بار سنگینی را میخواهید بر دوش بگیرید؛ این را بدانید. اگر دیدید میتوانید، خیلی خوب، وارد کارزار انتخاباتی بشوید؛ اما این جور نباشد که سنگینی کار را ندانید. اولاً مشکلات و مسائل اصلی کشور را بشناسید. مسائل کشور یکی دو تا که نیست؛ صدها مسئله هست که از این صدها مسئله اقلاً ده‌ها مسئله‌اش جزو مسائل اساسی و مهم کشور است؛ اینها را بدانید، بدانید که مشکل کشور کجا است و مسائل کشور چیست، برای حل آن مسائل هم یک برنامه‌ای و راه حلی داشته باشید، ولو اجمالی؛ حالا نمیگوییم تفصیلی؛ ولو به نحو اجمال، یک راه حلی برای آن داشته باشید. مسئله‌ی اقتصاد را بشناسید؛ اقتصاد مهم است. در خود مسئله‌ی اقتصاد کارهای مهمی هست؛ رشد تولید ملی، رشد سرمایه‌گذاری ملی، تقویت پول ملی، مسئله‌ی تورم و امثال اینها در ذیل عنوان اقتصاد است. بعد، مسئله‌ی امنیت کشور که مسئله‌ی بسیار مهمی است. موضوع آسیب‌های اجتماعی که یکی از آن مسائل مهم کشور مسئله‌ی آسیب‌های اجتماعی است. روبه‌رو شدن با سیاستهای پیچیده‌ی دنیا؛ شما میخواهید با این سیاستها مواجه بشوید؛ مسئله‌ی سیاست خارجی. [همچنین] مسئله‌ی بسیار مهم فرهنگ. شما باید بدانید که در کشور چه خبر است و چه انتظاری هست و چه کار باید انجام بگیرد؛ اینها را بدانید. اگر می‌بینید میتوانید این بار سنگین و مهم را به دوش بگیرید، بسم‌الله، وارد بشوید؛ اگر دیدید نه، وارد نشوید که در روایت دارد که به آن کسی که یک کاری را نمیتواند و وارد آن کار میشود وعده‌ی خیلی بدی داده‌اند که من حالا دیگر آن وعده را عرض نمیکنم. پس بنابراین، این هم یک نکته که مربوط به داوطلبان بود.

یک نکته‌ی دیگر خطاب به آحاد مردم است که خصوصیات یک رئیس‌جمهوری را که به نظر میرسد رئیس‌جمهور مطلوب باید دارای این خصوصیات باشد، من می‌گویم، شما نگاه کنید ببینید واقعاً همین جور است یا نه؛ یعنی این نظر شخص من نیست؛ به نظر میرسد هر کسی که به دنبال سعادت کشور است یک چنین رئیس‌جمهوری میخواهد. اولاً باکفایت باشد، دارای مدیریت و کفایت مدیریت باشد. ثانیاً باایمان باشد؛ اگر بی‌ایمان بود، نمیشود به او اعتماد کرد؛ آدم بی‌ایمان کشور را، منافع کشور را، مردم را یک وقتی میفروشد؛ پس باایمان باشد. بعد، عدالت‌خواه باشد، ضدفساد باشد؛ این یکی از مهم‌ترین خصوصیات است که بایست در رئیس‌جمهور وجود داشته باشد که به معنای واقعی کلمه به دنبال اجرای عدالت باشد و به معنای حقیقی کلمه با فساد بخواهد مبارزه کند. دارای عملکرد انقلابی و جهادی باشد؛ یعنی با عملکرد اتوکشیده نمیشود کار کرد؛ با این همه مسائل اساسی‌ای که در کشور وجود دارد،





یک حرکت جهادی و انقلابی لازم است؛ بایستی عملکردش این جوری باشد.

به توانمندی‌های داخل معتقد باشد. بعضی‌ها هستند داخل را اصلاً قبول ندارند؛ همان حرف قدیمی را می‌گویند که در داخل، فقط لوله‌نگ (۷) را می‌توانند [بسازند]؛ نمی‌دانند که در داخل چه خبر است. یک وقتی یکی از آقایان یک چیزی راجع به مسئله‌ی دفاعی گفته بود، من گفتم (۸) یک تور دفاعی بگذارید تا آقایان ببینند یک خرده‌ای بچرخند و ببینند از لحاظ دفاعی در کشور چه خبر است. توانمندی‌های کشور را واقعاً مطمئن باشند و معتقد باشند به توانمندی‌ها. و به جوانان معتقد باشند، جوانها را قبول داشته باشند، جوانها را به عنوان پیش‌ران حرکت عمومی کشور بشناسند و به آنها اعتماد کنند. بنده از سابق با جوانها مرتبط بودم و سالها است که به اینها در مسائل گوناگون اعتماد می‌کنم؛ واقعاً هر جایی که جوانها وارد میشوند - من نمی‌خواهم حالا عناوین و مانند اینها را اسم بیاورم - این جوری است که گره‌های سخت را باز میکنند و مشکل‌گشایی میکنند. خود این رئیس‌جمهور به جوانها معتقد باشد. مردمی باشد. امیدوار باشد؛ آدم مایوس و بدبین و با نگاه تلخ به آینده و تاریک به آینده نباشد.

اگر چنانچه یک چنین کسی باشد که بتواند مشکلات را مدیریت کند و بیاید سر کار، مطمئناً این کشور را به نقطه‌ی مطلوب خواهد رساند. یک رئیس‌جمهوری با این خصوصیات را پیدا کنید. البته پیدا کردنش برای همه‌ی آحاد مردم آسان نیست؛ خوب می‌توانند به کسانی مراجعه کنند، از آنها سؤال کنند. به هر حال، سعی کنند یک چنین خصوصیتی را در نامزد ریاست‌جمهوری پیدا کنند. و از خدا بخواهیم که خودش ان‌شاءالله ملت ایران را کمک کند و هدایت کند که بتواند چنین شخصی را با این خصوصیات بیابد و او را انتخاب کنند.

در باب انتخابات آخرین مطلب این است که ملت عزیزمان انتخابات را نماد وحدت ملی قرار بدهند، نماد دودستگی و نماد تفرقه قرار ندهند، نماد دوقطبی‌گری قرار ندهند؛ این تقسیم‌های غلط «چپ» و «راست» و امثال اینها را کنار بگذارند. آنچه مهم است آینده‌ی کشور است، آنچه مهم است آینده‌ی نسل ما است، آنچه مهم است نظام باعزت اسلامی در کشور است؛ اینها مهم است، اینها را بایستی در نظر بگیرند و به معنای واقعی کلمه در کنار هم باشند. البته سلیقه‌ها مختلف است؛ اختلاف سلیقه هست، اختلاف بینش سیاسی هست، اختلاف قومیتها هست، اختلاف مذاهب هست؛ اینها هیچ اشکالی ندارد؛ هم قبلاً بوده، هم حالا هست، هم بعدها خواهد بود؛ اینها اشکالی ندارد [لکن] اینها باید وحدت ملی را به هم نزنند، یعنی آحاد ملت را در مقابل هم قرار ندهد، کشور را دوقطبی نکند. خوب این هم راجع به انتخابات.

آخرین مطلب، مسائل مربوط به برجام و مسائل منطقه است؛ یک جملاتی هم در این زمینه عرض می‌کنیم. مطلب اول این است که فشار حداکثری آمریکا شکست خورد. آن احمق قبلی، (۹) این سیاست فشار حداکثری را برای این طراخی کرده و اجرا کرده بود که ایران را در موضع ضعف قرار بدهد تا بعد، ایران به خاطر ضعف بودن، مجبور بشود، ناچار بشود بیاید پای میز مذاکره، او هم هر چه می‌خواهد خواسته‌های مستکبران را بر ایران ضعیف تحمیل کند؛ هدفش این بود. خوب او گم و گور شد و رفت، آن هم با آن افتضاح؛ (۱۰) رفتنش هم رفتن با عافیت نبود، رفتن با افتضاح بود؛ و هم خودش مفتضح شد، هم کشورش را مفتضح کرد، آمریکا را مفتضح کرد. و بحمدالله جمهوری اسلامی با قدرت و اقتدار ایستاده و به عزت الهی، این کشور و این ملت عزیز است. بنابراین بدانند که فشار حداکثری‌اش تا الان شکست خورده، بعد از این هم اگر چنانچه این دولت جدید آمریکا بخواهند فشار حداکثری را دنبال کنند، اینها هم شکست می‌خورند، اینها هم گم و گور میشوند میروند و ایران اسلامی، با قدرت، با عزت هر چه



بیشتر خواهد ماند. این توصیه‌هایی هم که ما عرض کردیم، موجب میشود که ان شاء الله روزبه‌روز ایران قوی‌تر [بشود].

مطلب دوّم این است که سیاست کشور در باب تعامل با طرفهای برجامی و در باب خود برجام، صریحاً اعلام شده؛ از این سیاست هیچ تخطی نباید کرد؛ این سیاستی است که اعلام شده، مورد اتفاق هم بوده؛ یعنی این جور نیست که این سیاست، سیاست استثنائی‌ای باشد در بین سیاست‌های دیگر؛ نه، این سیاستی است که مورد اتفاق همه بوده. آن سیاست هم عبارت از این است که آمریکایی‌ها باید تمام تحریمها را لغو کنند، بعد ما راستی‌آزمایی خواهیم کرد؛ اگر چنانچه به معنای واقعی کلمه لغو شده بود، آن وقت ما به تعهدات برجامی‌مان برمیگردیم، یعنی بدون هیچ مشکلی به تعهدات برخواهیم گشت؛ این سیاست قطعی است. قول آمریکایی‌ها را [هم] معتبر نمیدانیم؛ اینکه بگویند ما برمیداریم و روی کاغذ بردارند، این فایده‌ای ندارد؛ عمل لازم است؛ باید در عمل تحریمها را بردارند، ما هم راستی‌آزمایی کنیم و مطمئن بشویم که تحریمها برداشته شده، آن وقت به تعهداتمان عمل میکنیم.

حالا بعضی از آمریکایی‌ها روی همان قرارداد برجام هم حرف دارند. شنیدم بعضی از آمریکایی‌ها میگویند که امروز شرایط سال ۹۴ و ۹۵ که برجام امضا شد فرق کرده، تغییر کرده، پس باید برجام هم تغییر پیدا کند؛ بنده قبول دارم، بله، امروز شرایط نسبت به سال ۹۴ و ۹۵ تغییر کرده منتها به نفع آمریکا تغییر نکرده، به نفع ما کرده؛ شرایط تغییر کرده به نفع ایران نه به نفع شما! ایران از ۹۴ تا امروز خیلی قوی‌تر شده، توانسته به خودش متکی باشد و اعتماد به نفس پیدا کرده؛ شما از ۹۴ تا حالا بی‌آبرو شده‌اید! یک دولتی سر کار آمد در آمریکا که با حرفش، با عملش، با رفتارش و بعد هم با کناره‌گیری‌اش کشور شما را مفتضح کرد. مشکلات اقتصادی، تمام مجموعه‌ی کشور شما را فرا گرفته؛ یعنی این جور نیست [که به نفع شما باشد]. بله شرایط عوض شده، [اما] به ضرر شما؛ اگر چنانچه بنا است برجام تغییر پیدا کند، باید به نفع ایران تغییر پیدا کند نه اینها. ما بحمدالله تحریمها را بی‌اثر کردیم؛ با شرکتهای دانش‌بنیان فراوان، حرکت عظیم جوانان، ابتکارهای گوناگون در این زمینه؛ ان شاء الله همین راه را هم ادامه خواهیم داد، اما شما روزبه‌روز گرفتارتر شدید؛ تا امروز هم گرفتارید؛ معلوم نیست سرنوشت این رئیس‌جمهور هم چه جوری خواهد شد.

خب ضمناً این را هم بگوییم؛ ما در این مطلبی که به عنوان راه حل پیشنهاد کردیم، عجله هم اصلاً نداریم. حالا بعضی‌ها میگویند «آقا فرصت هست، فرصت‌سوزی نباید کرد»؛ بله ما هم معتقدیم که از فرصتها باید به موقع استفاده کرد و فرصت‌سوزی نباید کرد منتها عجله هم نباید کرد؛ عجله در مواردی خطرش و ضررش از فرصت‌سوزی بیشتر است؛ کما اینکه ما در قضیه‌ی برجام عجله کردیم؛ ما نباید عجله میکردیم؛ همه‌ی کارهای آنها روی کاغذ بود، کارهای ما روی زمین بود؛ ما عجله کردیم کارهای خودمان را انجام دادیم، آنها هم کارشان را انجام ندادند، تعهداتشان را انجام ندادند. البته این مسئله‌ی بسیار مهمی است که ما توجه داشته باشیم که صبر و حوصله‌مان زیاد است و داریم کار خودمان را میکنیم؛ اگر چنانچه آنها همین سیاستی را که ما گفتیم قبول کردند و اعمال کردند، خب همه چیز درست خواهد شد؛ [اگر] نکردند، به همین شکلی که امروز هست، بعد هم خواهد بود؛ اشکالی هم ندارد.

[در مورد] این هم که ما میگوییم مثلاً فرض بفرمایید که اوّل آنها تحریم [را بردارند]، شنفتم یک عده‌ای از این سیاستیون دنیا و مانند اینها میگویند «آقا، این اوّل من، اوّل تو دیگر چه فرقی میکند؟ حالا شما میگویید اوّل آمریکا، آمریکا میگوید اوّل شما»؛ بحث اوّل من، اوّل تو نیست؛ بحث این است که ما زمان اوپاما به آمریکایی‌ها اطمینان



کردیم و کارهایی را که باید بر اساس برجام انجام میدادیم انجام دادیم، [اما] آنها تعهد خودشان را انجام ندادند؛ یعنی روی کاغذ گفتند که تحریمها برداشته است، منتها عواملشان به هر شرکتی که خواست با ما قرارداد منعقد بکند گفتند «آقا این خطر دارد، این ریسک دارد و معلوم نیست چه خواهد شد»؛ یعنی طرف سرمایه‌گذار را ترساندند؛ این جوری اینها عمل کردند. ما به کار اینها اعتماد نداریم؛ تعهد اینها برای ما ارزشی ندارد.

البته آمریکایی‌ها در برخورد با ما اشتباه کردند؛ در کل مسائل منطقه هم متأسفانه آمریکایی‌ها دچار اشتباهند؛ الان هم دارند اشتباه میکنند؛ این حمایت ظالمانه‌ای که از رژیم صهیونیستی میکنند، اشتباه است؛ حضور غاصبان‌های که در سوریه پیدا کردند، حضور مفصلی که در شرق فرات پیدا کردند قطعاً اشتباه است؛ این همراهی کردن با دولت سعودی در کوبیدن مردم مظلوم یمن، قطعاً اشتباه است.

سیاستهایشان درباره‌ی فلسطین سیاستهای غلط و اشتباهی است؛ مسئله‌ی فلسطین در دنیای اسلام هرگز فراموش نخواهد شد؛ اینها دل خوش کرده‌اند به اینکه چهارتا دولت حقیر با رژیم صهیونیستی ارتباطات برقرار کنند و عادی‌سازی کنند روابط را. این دو تا سه تا دولتهای آنچنانی که تأثیری ندارند. امت اسلامی مسئله‌ی فلسطین را فراموش نخواهد کرد؛ از مسئله‌ی فلسطین صرف نظر نخواهد کرد؛ آمریکایی‌ها این را بدانند.

در قضیه‌ی یمن هم همین جور است. تجاوز به یمن در زمان دولت دموکرات قبل از ترامپ آغاز شد؛ یعنی ترامپ که شروع نکرد جنگ یمن را؛ سعودی‌ها جنگ یمن را زمان دولت دموکرات اوباما شروع کردند و با چراغ سبز آمریکا بود؛ آمریکا به آنها اجازه داد و کمکشان کرد؛ امکانات فراوان نظامی در اختیارشان گذاشت؛ برای چه؟ برای اینکه آن قدر سر مردم بی‌سلاح بی‌دفاع یمن بمب بریزند که مثلاً در ظرف پانزده روز، یک ماه آنها را تسلیم کنند؛ خوب اشتباه کردند؛ الان شش سال گذشته و نتوانستند؛ مثل همین روزها (۱۱) بود که جنگ یمن و حمله‌ی به یمن شروع شد؛ شش سال از آن روز گذشته است و اینها نتوانسته‌اند مردم یمن را تسلیم کنند. من سؤال میکنم از آمریکایی‌ها: شما آن روزی که به سعودی‌ها چراغ سبز [نشان] دادید که وارد جنگ یمن بشوند، میدانستید عاقبت گرفتاری آنها چه خواهد بود؟ میدانستید سعودی را در چه باتلاقی دارید گرفتار میکنید، که الان نه میتواند بماند، نه میتواند برگردد؛ الان مشکل برای سعودی، مشکل دوجانبه است که نه میتواند جنگ را قطع کند، نه میتواند ادامه بدهد؛ هر دو طرفش برایش ضرر دارد. شما آمریکایی‌ها میدانستید دارید سعودی را در چه بلایی می‌اندازید؟ اگر میدانستید و در عین حال کردید، وای به حال متحدینتان که درباره‌ی آنها این جور عمل میکنید! اگر نمیدانستید، پس باز هم وای به حال متحدینتان که به شماها اطمینان میکنند و برنامه‌هایشان را با توافق شما اجرا میکنند و طراحي میکنند که با اوضاع منطقه ناآشنا هستید. بنابراین بدانید که این منطقه را نمی‌شناسید، ملت‌ها را نمی‌شناسید و دارید اشتباه میکنید.

امیدواریم که خدای متعال همه‌ی گمراهان عالم را از گمراهی‌شان هدایت کند و آنها را از اشتباهاتشان برگرداند؛ و امیدواریم ان‌شاءالله خداوند متعال ملت ایران را روزبه‌روز عزیزتر و قدرتمندتر و برخوردارتر از امکانات زندگی قرار بدهد و آنها را خوشبخت و سعادتمند کند؛ ماده و معنایشان را ان‌شاءالله اصلاح کند؛ قلب مقدس ولی‌عصر ان‌شاءالله از مردم ایران راضی باشد و دعای آن بزرگوار ان‌شاءالله شامل حال همه‌ی مردم ما و شامل حال این حقیر باشد؛ روح مطهر امام بزرگوار از ما راضی باشد و ارواح طیبه‌ی شهیدان از ماها راضی باشند.



والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) منظور معظم‌له کودتای ۱۲۹۹ است.

(۲) «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»؛ بیانات به مناسبت حلول سال نو (۱۳۹۹/۱۲/۳۰)

(۳) «جهش تولید»؛ بیانات به مناسبت حلول سال نو (۱۳۹۹/۱/۱)

(۴) اشاره به بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی

(۵) نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

(۶) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی

(۷) آفتابه‌ی سفالی

(۸) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها (۱۳۹۳/۴/۱۱)

(۹) دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده‌ی آمریکا)

(۱۰) عدم پذیرش نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا توسط دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور سابق آمریکا) و سخنان وی، منجر به حمله‌ی هوادارانش به ساختمان کنگره و درگیری میان نیروهای پلیس و آنها شد. این وضعیت باعث شد که چندین روز در ایالت‌های مختلف آمریکا وضعیت فوق‌العاده و حکومت نظامی اعلام شود.

(۱۱) ششم فروردین ۱۳۹۴